

برای او که بزرگ‌تر از بسکتبال بود



مترجم: نوید صراف

Navid Saraf



در تولد ۵۰ سالگی‌اش در اعترافی خبرساز گفت: «حاضر هستم همه چیزم را از دست بدهم تا به گذشته بازگردم و باز هم بسکتبال بازی کنم.» این جمله نشان می‌داد که جردن بزرگ در زندگی پسا دوران حرفه‌ای خود، چیزی را پیدا نکرده که مثل بسکتبال در گذشته به او احساس رضایت بدهد. برایانت ولی مسیر مشخصی داشت تا زندگی‌اش پس از بازنشستگی هم جذاب باشد و به همین دلیل راه پدرش «جو» را پیمود. جو زمانی که NBA را به مقصد لیگ بسکتبال ایتالیا ترک گفت، پسرش را هفت سال با خود به سرزمین چکمه برد و برایانت نیز با تقلید از کار پدرش، همواره دخترانش را نزد خود داشت.

او نسبت به «جیانا» تعهد بالایی احساس می‌کرد؛ به همین دلیل نیز هدایت تیم بسکتبال مدرسه دخترش را بر عهده گرفت و همین باعث شد توجه او نسبت به بسکتبال زنان بیشتر شود و به ارتقای آن باری رساند. کوبی همواره انسانی مهربان بود و به جوانان انگیزه‌ای مضاعف می‌بخشید. برای درک بهتر این موضوع بد نیست اولین تقابل و برخورد کوبی با «لبران جیمز» جوان را به خاطر بیاوریم؛ رقابت‌های «آل‌استار بسکتبال» و جایی که برایانت کفش‌هایش را به جیمز هدیه داد. کسی که چند روز پیش رکورد امتیازگیری کوبی را شکست و حالا پس از سقوط هلیکوپتر، روی کفش‌هایش عبارت «مامبا برای زندگی، ۸ و ۲۴ ک.ب» را نوشته تا به اسطوره خود ادای دین کند.

آنچه برایانت در ۴۱ سال عمر کوتاه خود انجام داد، به حدی جذاب بود که از پیش طراحی شده به نظر می‌رسید. او می‌دانست در تک‌تک لحظات چه حرکتی باید انجام دهد. در ابتدا همه او را «مایکل جردن» جدید معرفی می‌کردند اما به حدی درخشید که نامش از اسطوره بسکتبال نیز پیشی گرفت. کوبی از تمام پتانسیلش بهره برد و با نوشتن یک شعر، برنده جایزه «اسکار» شد تا نشان دهد فراتر و بزرگ‌تر از بسکتبال است. او پرده دوم زندگی خود را نیز پیدا کرد اما «نقدیر» پرده سوم را بدون مجال خودنمایی روی صحنه برد.

♦ تام فوردایس

برای بسیاری از بزرگان جهان ورزش، اولین پرده یعنی تلاش سخت، سختکوشی، پیروزی و همیشه پیروز بودن، بخشی آسان است. این یک مسأله غریزی است و در حقیقت بخش طبیعی همه بزرگان جهان ورزش برای قرار گرفتن در قالب «انسان»، به همین بخش مربوط می‌شود اما پرده دوم است که شک و تردیدهای بسیاری را در دل خود جای داده. کم شدن توان فیزیکی آنها، شروعی برای پایان سلطه است. در چنین شرایطی شخصی که با این توانایی به دنیا آمده که بازی و الگوها را از پیش بخواند، ناگهان نمی‌تواند به ساده‌ترین پرسش پاسخ دهد: «بعد از این چه اتفاقی خواهد افتاد؟»

«کوبی برایانت» نابغه زمین بسکتبال اما به نظر مشکلی در پاسخگویی به این سؤال نداشت و در حال حل مشکلات زندگی پسا دوران حرفه‌ای‌اش بود. او کاری می‌کرد که بسیاری از هم‌نسلان و پیشینیانش از انجام آن عاجز بودند. کوبی با الهام گرفتن از «مایکل جردن» کارش را آغاز کرد، سپس دوران رقابت و سپس هم‌تیمی شدن با «شکیل اوینیل» فرا رسید. پس از آن با «لبران جیمز» پا به عرصه رقابت گذاشت و در پایان نیز ترجیح داد در بهترین زمان ممکن، میدان را برای رقیب جوان‌تر خالی کند.

نمی‌خواهیم بزرگی «بیل راسل»، «ویلت چمبرلین»، «کریم عبدالجبار»، «لری برد» و «مجیک جانسون» را زیر سؤال ببریم و قطعاً آنها از بزرگان تاریخ بسکتبال هستند اما تفاوت کوبی با آنها در چگونگی حضور و سپس خروجشان از بسکتبال است. جردن، کوبی را همچون برادر کوچک‌تر خود می‌دید و شباهت بازی‌شان در بسیاری جهات مشهود بود. جردن گاهی برای اثبات خود بازی می‌کرد و سعی داشت نشان دهد حق با او است و دیگران در اشتباه هستند. برایش اهمیت نداشت در طول مسیر چه چیزی یا کسی برابرش قرار گرفته. این خصیصه به بزرگی او کمک شایانی رساند اما در عوض نواقصش را نیز مورد بزرگنمایی قرار داد. کوبی هم در بازی‌اش یک انگیزه نهفته بود؛ او پس از تماشای فیلم سینمایی «Kill Bill» تصمیم گرفت خود را «مامبای سیاه» بنامد زیرا در خود روحیات یک قاتل بی‌رحم را می‌دید که زمانی که کسی در زمین نمی‌تواند حمله کند، یک تنه به قلب حریف می‌زند.

اما جردن خود را میان قمارها و حواشی پس از به قتل رسیدن پدرش گم کرد. او مدت کوتاهی هم به بازی بیسبال مشغول شد ولی دیگر مایکل همیشگی نبود. ضعف‌ها و مشکلات کوبی هم مانند جردن، اجتناب‌ناپذیر بود؛ در سال ۲۰۰۳، نخستین حاشیه بزرگ از راه رسید و «کتلین فیبر» ۱۹ ساله به جرم تجاوز جنسی برایانت شکایت کرد. کوبی با پذیرفتن داشتن رابطه با فیبر مدعی شد این اتفاق توافقی بوده و او جرمی مرتکب نشده است. همین اعتراف اما برای کم شدن محبوبیت او در آمریکا و لغو برخی قراردادهای تبلیغاتی‌اش کافی به نظر می‌رسید. در پرونده‌ای دیگر به جرم توهین جنسی به داور مسابقه مجبور به پرداخت یک‌صد هزار دلار جریمه و انتشار عذرخواهی عمومی شد. برایانت در میدان نیز چهره‌ای خودخواه بود؛ او بیشتر از هر بازیکن دیگری در تاریخ NBA پرتاب از دست رفته داشت اما درباره این نکته با افتخار می‌گفت که ترجیح می‌دهد هر بازی ۳۰ شوت خراب کند تا اینکه ۹ شوت اشتباه داشته باشد زیرا این نشان می‌دهد که او تسلیم نشده و نخواهد شد.

تسلیم نشد و در طول دوران حرفه‌ای خود دومرتبه بیشترین میانگین امتیاز در طول فصل NBA را به نام خود ثبت کرد و ۵ مرتبه قهرمانی در این لیگ را جشن گرفت. به قول «وینس کارتر» دوست صمیمی کوبی و رقیبش در میدان، «روحیه و میل همیشگی به کسب پیروزی» تمامی وجه‌های خوب و یاد برایانت را شکل داده بود.

با وجود تمام شباهت‌ها، برخلاف جردن اما کوبی به فریبندگی‌های دوران بازی دلبسته نماند و چشم به آینده دوخت. او همیشه برای پرده دوم زندگی آماده بود و همین ویژگی‌ها تا حدی به او برای دستیابی به این آمادگی کمک کردند. مایکل